



«طلای سیاه»؛ کف خیابان

انتظار مردم از تأثیرگذاری افزایش صادرات نفت بر سفره‌هایشان متفاوت است

□ **حمید حاجی پور** صادرات نفت ایران پیش از تحریم‌ها روزانه بیش از ۲ میلیون بشکه بود که با صدور هر قطعه‌نامه علیه ایران به یک میلیون بشکه در روز تقلیل یافت و اگر همان روند ادامه پیدا می‌کرد امروز حداکثر تولید صادرات ۲۰۰ هزار بشکه در روز بود. در سال‌های غیبت ایران کشورهایی همچون عراق، عربستان و روسیه از فرصت به دست آمده سود بردند و بنیة اقتصادی خود را قوی‌تر کردند. البته موضوع تنها کاهش تولید صادرات نیست. از یک سو آنچه می‌فروختیم، در قبالتش جنس نسیه می‌گرفتیم و از سوی دیگر، تأسیسات نفتی و گاز فرسوده می‌شد... با گذشت ۲ سال از این وضعیت و با روی کار آمدن دولت یازدهم و پس از ماه‌ها مذاکره سنگین و سخت، سرانجام با توافق ایران و قدرت‌های ۵+۱ برجام به فرجام رسید و بلافاصله افزایش تولید و صادرات نفت در دستور کار قرار گرفت. وزارت نفت از یک سو می‌بایست برای به دست آوردن بازار از دست رفته تلاش می‌کرد و از سوی دیگر تأسیسات فرسوده و طرح‌های نیمه‌کاره را به اتمام می‌رساند و در جبهه دیگر، به افزایش فنی تولید می‌اندیشید. این وزارتخانه خیلی زود توانست به روزهای پیش از تحریم برگردد یعنی تولید و صادرات روزانه ۲ میلیون بشکه نفت به کشورهای اروپایی و آسیایی، ماجرای پتروشیمی هانیر از این پیچیده‌تر شده بود؛ طوری که خود کارکنان این صنعت می‌گویند در سال‌های تحریم پتروشیمی‌ها عملاً از مدار تولید خارج شده بودند. میعانات گازی مشتری نداشت و تا برای میعانات مشتری پیدا نمی‌شد، از نظر فنی افزایش تولید گاز مصرفی امکان پذیر نبود، بسیاری از پتروشیمی‌ها عملاً بنزین سرطان زانو تولید می‌کردند...

پس از اجرایی شدن برجام، مبادلات بانکی و بیمه‌ای و بسته‌ها برای افزایش صادرات نفت و محصولات پتروشیمی به همه بازارهای بین‌المللی از جمله اروپا و آمریکا جنوبی روان‌تر شد. این در حالی است که در سال‌های سخت تحریم، برخی از پیش‌خوراک‌ها و خوراک‌های پتروشیمی عملاً ارزش خود را از دست داده بود. حالا با تکیه بر آمارهایی که توان گفت فروش محصولات شرکت‌های پتروشیمی بارشده نزدیک به ۳۰ درصد همچنان در حال جذب مشتری است. میعانات گازی که ارزشی برابر با نفت خام دارد، بر ااحتی به مواد دیگر تبدیل و صادر می‌شود، مجبور به انبار کردن محصولات در گشتی‌های سرگردان اجاره‌ای نیستیم و پول آنچه می‌فروشیم، بدون هیچ مانعی به حساب خزانه واریز می‌شود. آیا این وضعیت به معیشت مردم کمک خواهد کرد؟ این پرسش را از مسئولان نمی‌پرسیم بلکه مردم به آن پاسخ خواهند داد حتی کسانی که شاید ندانند رونق پتروشیمی به طور مستقیم صندوق بازنشستگی کشوری و مستمری بگیران تأمین اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۳ سالی می‌شود که دیگر از معجون نفت سفید و بنزین که آلودگی هوا را در کلانشهرها به اوج خود رسانده بود و یکی از عوامل اصلی سونامی سرطان به شمار می‌رود، خبری نیست؛ حالا جایگاه دارها بنزین پور ۴ می‌فروشند. اما اگر از کیفیت بنزین بگذریم ثابت ماندن قیمت این فرآورده استراتژیک نیز خود نشان دهنده تثبیت وضعیت اقتصادی و تورم در کشور است.

خیابان خرمشهر سر صبحی شلوغ است اما پمپ بنزین خلوت. از مرد میان‌سالی که به ماشین مدل بالايش بنزین می‌زند می‌پرسم

۲ برابر شدن صادرات نفت، تأثیری بر اقتصاد خرد و معیشت مردم داشته یا نه؟ ابروی بالایی انداز دومی گوید: «نمی‌شود بگوییم تأثیر نداشته ولی مردم به هر حال انتظار بیشتری دارند. خیلی‌ها فکر می‌کردند فردای برجام باید بنزین لیتری ۱۰۰ تومن بشود. مثل قضیه هواپیماهاست. همین که هواپیما می‌نویسند یعنی دیگر نیازی به اجاره هواپیما از اوکراین و روسیه و امارات نداریم پولش جیب ملت می‌ماند و می‌تواند جای دیگری هزینه شود. این‌ها زمان بر است. تا فروش نفت بیاید سفره و تبدیل شود به نان و پنیر، زمان می‌برد.»

مجتبی، جوانی که سرپیمپ‌ها ایستاده و شاهد صحبت ماست به عنوان مصاحبه‌شونده بعدی وارد بحث می‌شود و می‌گوید: «۳ سال است بنزین گران نشده. قرار هم نیست گران شود. اگر توافق نمی‌شد، الان برای هر لیتر بنزین باید ۲ هزار تومان پول می‌دادید. یکی از آشناهایم که توی شرکت نفت کار می‌کند چند شب پیش می‌گفت اگر برجام نبود کشورهای دیگر مخصوصاً آمریکا اجازه نمی‌دادند حتی یک بشکه نفت صادر کنیم آن وقت مملکت را رگسنگی و بیکاری برمی‌داشت.»

بر خلاف حرف‌های راننده خوش پوش و کارگر پمپ بنزین، پوریا مانتو فروش میدان هفت تیر، نظر دیگری دارد. مغازه بزرگش را نشان می‌دهد و می‌گوید: «بهن ماه که از نیمه می‌گذرد باید سرمایه برای فروش آخرسال شلوغ شود ولی می‌بینید که خبری نیست. برجام شد، فروش نفت بیشتر شد

ولی کوسودش؟ بازار خراب است. کساد کساد. پیش خودمان گفتیم برجام می‌شود و وضعیت اقتصادی بهتر می‌شود ولی اتفاق خاصی نیفتاده. البته قبول دارم رفع تحریم‌ها در خیلی از زمینه‌ها مثل واردات تجهیزات پزشکی و داروهای حساس به نفع‌مان شد ولی سؤال من و خیلی از کاسب‌ها این است که چرا بازار نداریم؟»

نفر بعدی که به سراغش می‌روم یکی از رانندگان تاکسی خط هفت تیر - انقلاب است. معمولاً رانندگان تاکسی به خاطر اینکه مسافران از همه قشرها دارند و نیکو گوش‌شان به آنها و گوش دیگرشان به رادیو است از همه اخبار و تحلیل‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و... باخبرند. این راننده که تمایلی ندارد اسم و مشخصاتی از او منتشر شود، دقیقاً مانند یک کارشناس خبره از دستاوردهای برجام و گشایش‌های نفتی می‌گوید: «قرار نیست پول نفت مستقیم سرریز شود به سفره مردم. دولت قبلی کلی بدهی داشت که بخشی از این درآمدها صرف پرداخت آنها می‌شود و بر اساس بودجه عمرانی و بهداشت و درمان و آموزشی و چه و چه، بقیه در آمدن بین سایر



سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها تقسیم می‌شود. به عنوان مثال ایران خودرو با شرکت‌های خوردوسازی بزرگ دنیا قرارداد بسته، خب ۲-۳ سال دیگر ماشین‌های درست و حسابی وارد خیابان‌ها می‌شوند نه الان. اگر برجام نمی‌شد، تا دو سال دیگر ماشین بی کیفیت و بنزین بی کیفیت، همه را بدبخت می‌کرد. الان لااقل امید داریم وضع سال بعد بهتر نشود، بدتر از این نمی‌شود. ماکمی هم باید نگاه ملی داشته باشیم و فقط به جیب خودمان نگاه نکنیم.»

حرف‌های راننده را در ذهن مرور می‌کنم که یاد می‌آید همسر یکی از همکاران مهندس خطوط لوله نفت است. او انگار دنباله حرف راننده تاکسی را گرفته باشد، می‌گوید: «در تحریم‌ها مشکل اصلی این بود که آمریکا فقط به ۵ کشور هند، چین، ژاپن، کره جنوبی و ترکیه اجازه خرید نفت داده بود و

طبق توافقنامه‌ای که امضا کرده بودند باید هر ۶ ماه ۲۰ درصد از حجم واردات نفت‌شان از ایران را کم می‌کردند. عملاً ۵۰۰ هزار بشکه‌ای که اروپایی‌ها از ما خرید می‌کردند، به طور کل از بین رفت و فروش نفت کشور بین ۷۰۰ هزار بشکه تا یک میلیون و ۲۰۰ هزار متغیر بود. حق فروش نفت به هیچ کشور دیگری نداشتیم. بدبختانه مشکل فقط به اینجا ختم نمی‌شد چرا که شماره حساب بین‌المللی که برای واریز پول نفت در بانک‌های جهانی در اختیار آن کشورها بود از سوی آمریکا بلوکه شده بود. رکود الان هم

یک راننده تاکسی: قرار نیست

پول نفت مستقیم سرریز شود به سفره مردم. دولت قبلی کلی بدهی داشت که بخشی از این درآمدها صرف پرداخت آنها می‌شود و بر اساس بودجه عمرانی و بهداشت و درمان و آموزشی و چه و چه، بقیه در آمدن بین سایر

میوه نهالی است که آن موقع کاشته شد و متأسفانه خودمان هم آبش دادیم. باور نمی‌کنید حجم خرابی‌ها در خود وزارت نفت و صنایع پتروشیمی ما چقدر بوده. حالا خدا را شکر به هر کشوری که بخواهیم نفت می‌فروشیم و با توجه به ۲ و نیم برابر شدن فروش نفت کشور می‌توانیم یک نفس راحت بکشیم. مسأله فقط نفت نیست. عزت ما هم بر گشت. یکی از اثرات برجام نفتی اختصاص ۳۰ درصد از پول نفت به صندوق توسعه ملی است که این صندوق می‌تواند به بخش خصوصی در حوزه سرمایه‌گذاری، تولید و واردات و صادرات وام بدهد و چرخه اشتغال و رونق اقتصادی را به حرکت در بیاورد. قرار نیست همه این اتفاقات خوشایند را مردم در طول یکسال ببینند. زمان می‌برد که نتیجه چنین سرمایه‌گذاری‌هایی به چشم بیاید.» هنوز به راننده تاکسی و حرف‌هایش فکر می‌کنم و با خودم می‌گویم کاش صدا و سیما از او آدم‌هایی مثل او هم گزارش می‌گرفتند و پخش می‌کردند. آدم‌هایی که می‌دانند دیگر کسی جرأت نمی‌کند به جای پول نفت سنگ پا و گل سر به ما بدهد.